

معرفی طرح تحقیقاتی :

بررسی آسیب‌پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی فرزندان کارکنان دولتی*

مجری طرح: دکتر خدابخش احمدی

اشاره

دوران جوانی، مرحله حساسی از زندگی انسان است که در آن طراوت، نشاط و امیدواری با ظرافت، التهاب و دشواری در هم آمیخته است. تحولات جسمانی، هیجانات روانی، نوسانات عاطفی، تمایلات غریزی و تعارضات درونی به طور دایم ذهن و خاطر جوانان را به خود مشغول می‌سازد و بر سیمای مشتاق آنان در مسیر رشد و اعتلای فرهنگی، پرده ابهام می‌افکند. در این میان دنیای جوانان با پیچیدگی و رمز و راز بیشتری همراه است. جوانان سرشار از عاطفه، ملاحظت و چشمه سار زلال معرفت‌اند. دین مبین اسلام و سنت و سیره معصومین، بر تربیت و پرورش مذهبی و اجتماعی جوانان تأکید بسیار دارد.

انقلاب اسلامی ایران با احیای فرهنگ دینی و تفکر مذهبی، شخصیت جوانان و حضور فعال آنها در صحنه‌های مختلف اجتماعی را تضمین نمود. جوانان نیز با حضور در صحنه انقلاب، دفاع مقدس و طی کردن مسیر شهادت حضور خود را تثبیت کردند. آنها ارزشهای اصیل انسانی و اسلامی را احیا کردند. توجه به

* همکاران اصلی: فاطمه سوری، فاطمه رئیسی، زهرا بیگدلی، علی ملازمانی، علیرضا عرب نیا

معنویات، گسترش حجاب، عفاف، ترویج اعمال فریضه، احیای امر به معروف و نهی از منکر، ترویج فرهنگ ایثار، شهادت، شجاعت، مقابله با ظلم، گسترش عدالت و... از جمله این ارزشها بود. حامل این ارزشها نسل اول انقلاب است. در حال حاضر با گذشت ۲۷ سال از پیروزی انقلاب، افراد واجد ارزشهای انقلابی رو به پیری گذاشته‌اند و نسل دوم به دوره نوجوانی و جوانی رسیده‌اند. اینها آینده سازان جامعه هستند.

امروزه در کشور، شاهد نفوذ فرهنگ بیگانه و ترویج فرهنگ مادی و ابتذال در بین جوانان هستیم. (کاظمی، ۱۳۷۶) این نگرانی وجود دارد که نسل جدید نتواند ارزشهای ناشی از انقلاب را دریافت، نگهداری و به نسل بعد انتقال دهد. توجه به این نکته مهم است که علاوه بر تغییر تدریجی ارزشها و فرهنگ جامعه که طی فرآیند عادی تبدلات و ارتباطات صورت می‌گیرد، «دشمنان انقلاب، جنگ فرهنگی را از زمان انقلاب اسلامی آغاز کردند، این تهاجم بعد از جنگ تحمیلی شدت بیشتری گرفت و اکنون دشمنان با تمام امکانات فرهنگی خود وارد میدان شده‌اند.

یکی از آسیبهای فرهنگی اجتماعی و تربیتی در بین مردم، کناره‌گیری اجتماعی است. کناره‌گیری اجتماعی، شامل انزوای اجتماعی و فرار از خانواده است. سووا^۱ و همکاران او (۲۰۰۳) نشان دادند که مکانیسم شروع و تداوم مشکل کناره‌گیری اجتماعی مشکل ارتباطات خانوادگی است. بخش دیگری از مسائل اجتماعی بزهکاری است. خط سیر و روند بروز

و پیشرفت بزهکاری در بین افراد شناسایی شده است (ویسنر^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). مطابق یافته‌های آنها ضعف همبستگی بین اعضای خانواده، کمبود همدلی والدین،

1- Wiesner
2- Wiesner
3- Smith
4- Farennton

کمبود حضور والدین در منزل، پیش بینی کننده بزهکاری در فرزندان است. اسمیت^۳ و فارنگتون^۴ (۲۰۰۴) عامل پیش بینی کننده بزهکاری را در بین نسلها دنبال کرده‌اند. این نوع بررسی که مطابق دیدگاه انتقال بین نسلی، موری بوئن است، نشان داد که مادران و پدران نسل اول که سابقه رفتار ضد اجتماعی داشتند، مشکلات سلوکی را در کودکان نسل دوم وسوم انتقال خواهند داد. یکی دیگر از زمینه های آسیب، گرایش به اعتیاد است. در این زمینه مظلومان (۱۳۷۹) نیز نشان داد که ۸۴ درصد از معتادان در بین اقوام و فامیل خود حداقل یک نفر معتاد داشتند و ۶۹ درصد از آنها حداقل یک عضو دیگر خانواده شان معتاد بوده است. همچنین ملاحظه شد که در بین معتادان ۴۹ درصد آنها پدر معتاد، ۹ درصد مادر معتاد، ۸ درصد برادر معتاد، ۳ درصد خواهر معتاد، ۳ درصد دایی معتاد، ۲ درصد عمه معتاد و مابقی نیز فامیل معتاد از قبیل پسر عمو، خواهر زاده و... داشتند. تحقیقات ویو وهمکاران (۲۰۰۴). نشان داد که تعارض خانوادگی و محیط بسیار آزار دهنده با گرایش به اعتیاد اعضا ارتباط دارند. آنها همچنین تفاوت جنسی فرزندان را مورد بررسی قرار داده و ملاحظه کردند که دختران بیشتر از تعارض خانوادگی و پسران بیشتر از محیط آزار دهنده تحت تأثیر قرار گرفته و به سوی اعتیاد و استفاده از مواد الکلی گرایش پیدا می کنند (کان و کاربر، ۲۰۰۴). یکی از آسیبهای روانشناختی بویژه در فرزندان نوجوان و جوان وجود تمایل به خودکشی یا اقدام به خودکشی است. این نوع از علایم اختلال نیز علی رغم چند عامل بودن با مسائل و مشکلات خانوادگی ارتباط دارد. کیفیت روابط و نوع قواعد و ارزشهای حاکم بر خانواده دو متغیر قوی در پیش بینی این مشکل هستند. در پژوهشی دیگر در زمینه آسیب شناختی فرهنگی ملاحظه شد که حدود ۲۰/۸ درصد احساس بی هویتی دارند، ۷ درصد به الگوهای فرهنگ غربی گرایش

دارند، حدود ۱۵ درصد حداقل یک بار با پدر و مادر خود درگیری جدی داشته‌اند. ۱۰/۵ درصد احساس می‌کنند در خانواده ارزشی برای آنها قایل نیستند، حدود ۲۸ درصد حداقل یک بار در پارتیهای مختلط شرکت داشته‌اند، حدود ۲۳ درصد با جنس مخالف رابطه داشته‌اند،

۱۱ درصد با زور با جنس مخالف رابطه جنسی برقرار کردند، پدر ۳۶ درصد از آنها اکثراً تا دیر وقت و بیشتر مواقع بیرون از خانه بوده، ۱۷ درصد اعلام کرده‌اند که پدرشان حداقل در یک مورد با تشکیل پارتی مختلط در خانه‌شان موافقت داشته‌است، حدود ۵۰ درصد حداقل یک بار با اعضای خانواده ماهواره تماشا کرده‌اند، ۱۸ درصد از ایرانی بودن خود به میزان زیادی ناراضی هستند، ۳۲ درصد به میزان زیادی به زندگی در غرب تمایل دارند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان داد که ضعف عملکرد خانواده با این متغیرها رابطه مستقیم و معنی داری داشته‌است. مثلاً با گرایش به الگوهای فرهنگ غربی (۰/۵۱)، با احساس بی‌هویتی (۰/۵۰)، با احساس تنهایی (۰/۴۰) با احساس بی‌زاری اجتماعی (۰/۳۸)، با احساس بی‌ارزشی در خانواده (۰/۳۴) و احساس عدم مشارکت اجتماعی (۰/۲۶). همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ضعف عملکرد خانواده در خانواده‌هایی که مادر شاغل است و در خانواده‌هایی که پدر بیکار است، بیشتر است. از سویی دیگر گرایشی به الگوهای فرهنگی غرب در بین پسران بیشتر از دختران و در بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی بیشتر از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان و در بین خانواده‌هایی که پدر و مادر دارای تحصیلات عالی هستند بیشتر از خانواده‌هایی است پدر و مادر که تحصیلات پایین دارند. نیز در بین خانواده‌هایی که در غرب شهر تهران زندگی می‌کنند بیش از مناطق دیگر شهر می‌باشد. مطابق آنچه در این بخش آمد

و بدنبال هدف پژوهشی حاضر، خانواده در متن آسیب شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد (مردان پور، ۱۳۷۸).

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا انواع آسیبهای فرهنگی، اجتماعی و تربیتی فرزندان نوجوان و جوان کارکنان دولتی مشخص شود تا بتوانیم موارد آسیب پذیری را شناسایی کنیم و عوامل مرتبط با آسیب پذیریها کشف شود تا امکان برنامه ریزی برای پیشگیری و درمان آنها فراهم آید. امید می رود نتایج این تحقیق بتواند ضمن آسیب شناسی فرهنگی در بین فرزندان کارکنان دولتی، آغازی برای آسیب شناسی فرهنگی در خانواده های جامعه بزرگ تر (کشور) بوده باشد.

بیان مسئله

امروزه در کشور شاهد نفوذ فرهنگ بیگانه و ترویج فرهنگ مادی و اخلاقی در میان جوانان هستیم (کاظمی، ۱۳۷۶). ابتذال اخلاقی، عوامل خارجی و عناصر داخلی در این آسیبها نقش دارند. رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «دشمنان با تمام امکانات فرهنگی خود وارد میدان شده اند». همچنین در جای دیگر فرمودند: «سعی دشمنان این است که بین گذشته هر نسل، بین همان افتخارات، بین همان تجربه ها و بین همان دستاوردها فاصله بیاندازند. او را بی ریشه کنند، او را از خود و از گذشته اش قطع کنند، بر این اساس و بدنبال این نگرانیها و تهدیدها باید، برای مقابله با استحاله معنوی آماده باشیم و نگذاریم این استحاله انجام گیرد، نگذاریم انقلاب را از درون پوک و پوسیده و از میان تهی کنند و تلاش کنیم بنیه معنوی انسانها را سالم، قوی و خوب نگهداریم.

برخی از آسیبهای وارد بر جوانان شامل: ناامیدی نسبت به آینده، دوری از معنویات، گرایش به ابتذال، سست شدن بنیانهای خانوادگی، ایجاد شکاف بین

والدین و فرزندان، بحران هویت، گسترش اعتیاد، تجمل گرایی، تغییر الگوها، بحران ارزشی، اختلال در رفتار اجتماعی، دوری از ارزشهای دینی و تعارض خانوادگی می باشد. مطالعه آسیب شناسی و تعیین آسب پذیری های جوانان گام اساسی در مصون سازی آنها در برابر تغییرات ارزشی و فرهنگی است. در تحقیقی دیگر که با هدف بررسی چگونگی نفوذ فرهنگ غرب در ایران انجام شد، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران، هم از درون فرهنگ و هم از برون فرهنگ مورد بررسی قرار گرفت. تغییرات ناشی از عوامل خارجی به طور عمده از طریق دانشجویان، تحصیل کردگان خارج از کشور، امکانات صوتی و تصویری و کالاهای غربی بوده است (مدین اورعی، ۱۳۷۳). پسندیده (۱۳۷۴) نشان داد که می توان جوانان را در ترجیح نوع غذا، نوع لباس، نوع فیلم مورد علاقه، نوع موسیقی نوع آثار نویسندگان و نوع نگرش برای انتخاب همسر و میزان اعتماد به نفس در زمینه تهاجم فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. بنابراین ضرورت دارد فرآیند انتقال ارزشها، میزان آسیب پذیری، میزان مصونیت، نوع آسیبها، عوامل مرتبط با آسیب پذیری فرزندان مورد بررسی قرار گیرد تا امکان تدوین تدبیرهای پیشگیری و درمان بوجود آید. نتایج حاضر باعث می شود تا میزان استحکام ارزشهای اسلامی و انقلابی و میزان انتقال آنها به فرزندان معلوم شود. میزان آسیب پذیری و نوع آسیب فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در بین فرزندان نوجوان و جوان کارکنان دولتی شناخته شود و بالاخره امکان تدوین برنامه های مصون سازی بوجود آید.

هدف کلی این طرح عبارت است از

شناخت میزان و ابعاد آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در بین فرزندان

نوجوان و جوان کارکنان دولتی

اهداف کاربردی طرح عبارت اند از

ارایه راهکارهای مناسب برای تدوین برنامه‌های پیشگیری و مصون سازی فرهنگی، اجتماعی و تربیتی برای فرزندان نوجوان و جوان کارکنان دولتی.

فرضیه های پژوهشی این تحقیق

۱- چگونگی هویت یابی فرزندان کارکنان دولتی با میزان آسب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آنها ارتباط دارد.

۲- میزان پابندی به ارزشهای اسلامی با میزان آسب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آنها ارتباط دارد.

۳- چگونگی روابط خانوادگی فرزندان کارکنان دولتی با میزان آسب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آنها ارتباط دارد.

۴- چگونگی روابط اجتماعی فرزندان کارکنان دولتی با میزان آسب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آنها ارتباط دارد.

سئوالات پژوهشی طرح

۱- میزان آگاهی فرزندان نوجوان و جوان کارکنان دولتی از تغییرات ارزشی و تهاجم فرهنگی چقدر است؟

۲- نگرش فرزندان کارکنان دولتی نسبت به تغییرات ارزشی و تهاجم فرهنگی چگونه است؟

۳- میزان تأثیر پذیری فرزندان کارکنان دولتی از تغییرات ارزشی جامعه و تهاجم فرهنگی غرب چقدر است؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بود، که در این پژوهش ضمن بررسی، شناسایی و ارزیابی میزان شناخت، نگرش و گرایش فرزندان کارکنان دولتی نسبت به

آسیبهای فرهنگی، اجتماعی و تربیتی، عوامل و متغیرهای مرتبط با آسیب پذیری مورد تحلیل قرار می گیرد. بنابراین مطالعه حاضر یک مطالعه زمینه یابی است که در آن وضعیت آسیب فرهنگی، اجتماعی و تربیتی شناسایی شده و عوامل مرتبط با آن از قبیل عوامل فردی، خانوادگی و دموگرافیک بررسی شد.

جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه فرزندان نوجوان و جوان کارکنان دولتی در سراسر کشور بود. بر اساس احتمال هر خانواده بطور متوسط دو فرزند نوجوان و جوان داشت و با تقریب و تخمین، تعداد جمعیت جامعه آماری حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شد. در پژوهش حاضر فرزندانی که بین سنین ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشتند و پدرشان عضو رسمی و شاغل در ادارات دولتی بود به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد.

حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

باتوجه به گستردگی جامعه آماری، برای مطالعه، تعدادی از جامعه آماری به روش نمونه گیری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه گیری تحقیق به روش خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. در مرحله اول در بین استانهای سراسر کشور (۲۸ استان)، تعداد ۱۰ استان بر اساس پراکندگی جغرافیایی انتخاب شدند. برای انتخاب استانها، ابتدا تمامی استانهای سراسر کشور به ۵ منطقه (شمال، مرکزی، جنوب، شرق و غرب) تقسیم شدند. سپس از هر منطقه دو استان به روش تصادفی انتخاب شد. استانهای انتخاب شده عبارت بودند از: تهران، قم، اصفهان، همدان، مازندران، اردبیل، کرمانشاه، اهواز و خراسان رضوی. با توجه به این که تمرکز جمعیت در شهرهای مرکز استان است و میزان آسیب پذیری در

بین ساکنان شهرهای بزرگ بیشتر است، بنابراین مراکز استانها به عنوان شهرهای هدف برای نمونه گیری و مطالعه انتخاب شدند. حجم نمونه، مطابق جدول مورگان 384 ± 384 نفر به صورت نسبت مساوی از دو جنس دختر و پسر برآورد شد. برای افزایش اعتبار داده ها تعداد کل نمونه از 768 نفر به 1200 نفر افزایش داده شد. تعداد نمونه برای استان تهران 300 نفر و برای هر یک از سایر استان ها تعداد 100 نفر در نظر گرفته شد.

اطلاعات جمعیت شناختی

از مجموع 1030 نفر از فرزندان کارکنان دولتی که در این پژوهش شرکت داشته اند، 51/6٪ دختر و 48/4٪ پسر بودند. از نظر توزیع سنی آزمودنی ها، 13/1٪ بین سنین 12 تا 15، 66/3٪ بین سنین 16 تا 20 و 18/5٪ بین سنین 21 تا 30 سال بودند. میانگین سنی دختران $18/6 + 2/8$ و میانگین سنی پسران $18/3 - 2/7$ بود. جمعیت مورد بررسی در پژوهش از 9 شهر کشور بر حسب پراکندگی جغرافیایی انتخاب شدند. از مجموع شرکت کنندگان در طرح، 305 نفر از تهران، از شهر های قم، اصفهان و همدان هر کدام 100 نفر، مازندران 93 نفر، اردبیل 89 نفر، کرمانشاه 97 نفر، اهواز 106 نفر و از شهر مشهد مقدس 40 نفر بودند. از نظر میزان تحصیلات 41/8٪ افراد دارای تحصیلات دبیرستان و راهنمایی، 41/6٪ دیپلم و 14/8٪ فوق دیپلم و بالاتر بودند. همچنین 1/8٪ وضع تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. از نظر وضعیت اشتغال 70/3٪ آزمودنی ها شاغل به تحصیل، 15/1٪ بیکار، 9٪ شاغل به کار و 1/4٪ سرباز بودند و 4/2٪ وضعیت شغلی خود را مشخص نکرده بودند. از نظر میزان تحصیلات مادر ملاحظه شد که 55/7٪ دارای تحصیلات زیر دیپلم، 31/9٪ دارای تحصیلات دیپلم و 9/8٪ دارای تحصیلات دیپلم بودند. تعداد 2/7٪ وضع تحصیلی مادر را مشخص نکرده

بودند. بررسی سایر اطلاعات در زمینه خانواده جمعیت مورد بررسی نشان داد که میانگین سن پدران $43/6 \pm 4/6$ و میانگین سنی مادران $39/4 \pm 4/7$ بود. همچنین مادران ۱۲٪ جمعیت مورد بررسی در خارج از منزل شاغل به کار بودند. از نظر میزان نظارت خانواده بر روی فرزندان ملاحظه شد که ۶۷/۵٪ به میزان زیاد و خیلی زیاد، ۲۶/۳٪ به میزان معمولی و ۴/۳٪ به میزان کم و خیلی کم روی فرزندان نظارت و کنترل دارند. ۱/۹٪ نیز وضع نا مشخص داشتند.

باید اعتراف کرد که بخش قابل توجهی از نسل جوان امروز مطابق گرایش به ادبیات، فلسفه، نگرش و توصیه ها و خواسته های دیدگاه فمینیستی به خود، خانواده و دیگران نگاه می کند، می اندیشد و رفتار می کند. آنها شیوه رفتاری والدین را سنتی می دانند و از آن الگو نمی گیرند. شاید بتوان گفت که این یک تحول عظیم در خانواده می باشد. در این شرایط حراست از هویت های وابسته به جنس، نقش های وابسته به زوج، رفتار های وابسته به خانواده ضرورت دارد. لذا باید آسیب های احتمالی را بر روی فرد، خانواده و اجتماع بررسی کرد، خانواده را بازآرایی کرد و استحکام آن را افزایش داد.

لازم است نحوه گذراندن اوقات فراغت اثربخش و برنامه ریزی راجع به آن رابه نوجوانان و جوانان و خانواده های آنان آموزش داد. امکانات و فرصت های مناسب جهت گذراندن اوقات فراغت برای فرزندان فراهم شود. کارکنان که در مواردی حضور کم رنگ در خانواده دارند (به دلایل نوع و حجم کار و ماموریتها) ضروری است هر سازمانی تلاشهایی را در جهت پر کردن خلأ های ناشی از این امر، برنامه ریزی و اجرا کند. نحوه گذراندن اوقات فراغت آسیب زا در بین پسران بیشتر از دختران، در بین فرزندان سنین بیش از ۱۵ سال بیشتر از سنین پایین تر، در بین کسانی که تحصیلات عالی دارند بیشتر از تحصیلات

پایین، در بین ساکنان تهران بیشتر از سایر شهرها و در بین شهرهای اردبیل و کرمانشاه پایین تر از سایر شهرها و در نهایت در بین کسانی که از سوی خانواده کنترل نمی شوند یا کمتر کنترل می شوند بیشتر است. بنابر این لازم است خانواده‌ها به این امر توجه جدی مبذول کنند. بویژه توجه جدی نسبت به فرزندان پسر و آن دسته از افرادی که از نظر سنی در دوره جوانی قرار دارند و نیز کسانی که دارای تحصیلات عالی بوده یا مشغول به تحصیل در دوره دانشگاهی هستند، لازم است. همچنین اولویت برنامه‌ها برحسب نوع شهر و در درجه اول، کلان شهرهای ایران تعیین شود. خانواده نقش اساسی در نحوه گذراندن اوقات فراغت فرزندان دارد. نظارت در این امر مهم است. نظارت خانواده موجب کاهش آسیب خواهد بود. کنترل صرف و محدودیت خانواده نه کافی است و نه حتی لازم. آنچه مهم است این است که اوقات فراغت فرزندان به همراه خانواده و مطابق برنامه خانوادگی سپری شود. چنین امری در ضمن افزایش همبستگی خانوادگی نظارت و کنترل خانواده را به دنبال دارد.

تقویت تقیدات مذهبی، رعایت ارزشهای شرعی و قوانین اجتماعی و نیز توجه به ارزشهای انسانی و الهی موجب کاهش گرایش به سوی لذت طلبی و مادی گرایی می شود و به افراد کمک می کند تا به دنبال رفع نیازهای عالی خود بوده و از غرق شدن در نیازهای دانی دوری گیرند. بنابر این افزایش تقیدات دینی در بین فرزندان نوجوان و جوان تمامی کارکنان دولتی مورد توجه قرار گیرد. تمامی تلاش مسئولان سازمانهای فرهنگی، افزایش تقیدات دینی در بین کارکنان است. لزوماً افزایش تقیدات دینی درکارمند به افزایش آن دربین فرزندان منجر نمی شود. این امر به فعالیت مستقیم بر روی خود فرزندان نیاز دارد. همچنین برای افزایش

تقیدات دینی، نظارت و توجه والدین افزایش داده شود. مقدمه و زمینه لازم برای تقویت تقیدات مذهبی، افزایش اعتقادات دینی است. ولی بین تقیدات دینی و اعتقادات دینی رابطه کاملی وجود ندارد. بیشتر افراد از اعتقادات دینی لازم برخوردار هستند، ولی پایبندی عملی در برخی از آنها ضعیف است. لذا وقتی موضوع ارزشهای دینی مطرح می شود برنامه های آموزشی برای آنها اجرا می شود، که این برنامه ها صرفاً در سطح اعتقادات موجب تقویت می شود. بنابراین باید توجه شود که برنامه های فرهنگی به گونه ای باشد که موجب تحکیم تقیدات عملی شود.

کسانی که در برابر ماهواره و گرایش به استفاده از آن آسیب پذیرند عبارت اند از: ۱- پسران ۲- کسانی که در دوره دبیرستان و راهنمایی هستند ۳- کسانی که در شهرهای بزرگ سکونت دارند ۴- کسانی که در داخل شهر زندگی می کنند (بجز آنهایی که در شهرکهای سازمانی هستند). ۵- کسانی که خانواده روی آنها نظارت خوبی ندارد. با توجه به این متغیرها می توان گروه های آسیب پذیر را شناسایی نموده و نسبت به پیشگیری و رفع این مشکل تلاش کرد.

- یکی از راه های کاهش آسیب، کاهش بیکاری جوانان از طریق ایجاد فرصتهای اشتغال برای آنهاست.

انتظار می رود که فرزندان بویژه در سنین نوجوانی و جوانی تحت نظارت خانواده قرار بگیرند. در این مورد لازم است که اولاً سیستم نظارتی در خانواده ها تقویت شود. البته نظارت نباید سختگیرانه و تعارض زا باشد. ثانياً پدران در نظارت به فرزندان نقش و مسئولیت داشته باشند و حتی نظارت بر روی فرزندان پسر در دوره جوانی بر عهده پدر قرار گیرد. از سویی دیگر به نظر می رسد که فرزندان پسر در جامعه از آزادی بیشتری برخوردار هستند. آزادی بویژه در دوره

نوجوانی و جوانی بهتر است محدود و مشروط باشد تا موجب افزایش آسیب پذیری و انحراف جوان نشود. از فرزندان پسر حداقل به میزان فرزندان دختر، انتظار رفتار اخلاقی، رعایت حجاب و سایر فعالیتهای شخصی و اجتماعی وجود داشته باشد. همچنین اندک برنامه های فرهنگی برای فرزندان معطوف به دختران است. دختران کارکنان دولتی هم در دسترس هستند و هم بیشتر متعهد به شرکت در برنامه های فرهنگی هستند. درحالی که جلب مشارکت فرزندان پسر برای شرکت در برنامه های فرهنگی نیاز به زحمت و تلاش دارد؛ ضمن اینکه لازم است برنامه های فرهنگی قابل ارایه به آنها، مطابق ویژگیهای آنها و ویژگیهای وابسته به سن و جنس آنها باشد.

فاطمه شریفی

